



سخنگوی قوهقضاییه:

دلیل مرگ ستار بهشتی هنوز مشخص نیست

گروه سیاسی: اولین نشست خبری سخنگوی قوهقضاییه در سال جدید پر از پرسش‌های ریز و درشتی بود که از‌های به برخی از آنها کوتاه و به برخی مفصل پاسخ داد. از علت طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده ستار بهشتی تا پرونده مر متضوی در کهریز که دیوان عدالت...

صفحه ۲

سه‌شنبه ۲۰ فروردین ۱۳۹۲ • ۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۳۴ • ۹ آوریل ۲۰۱۳

جهان

بازگشت «ناچر» در قاب مرگ

با آثار و گفتاری از: هرמידاس باوند، کمال اطهراری هوشنگ ماهرویان، مجید تفرشی



تبر

مصر پذیرش گردشگران ایرانی را متوقف کرد

کانون جهانگردی ایران: همچنان گردشگر می‌فرستیم

صفحه ۶

در صفحات

در بزرگداشت «رضا سقایی»

یادداشت علی‌اکبر شکارچی | صفحه آخر

حرف اول . جامعه

استقلال دانشگاه‌ها در حاشیه

محمدرضا ظفرقندی
رییس سابق دانشگاه علوم پزشکی تهران



فارغ از اینکه انحلال ادغام دانشگاه‌های علوم پزشکی ایران و دانشگاه علوم پزشکی تهران در نفس خود اقدام موثر یا نسنجیدای در سال ۸۹ بود یا خیر، می‌توان گفت که این اقدام منجر به تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی بسیار زیادی به بدنه علمی، دانشجویی و خدمات‌رمانی این دانشگاه‌شد. تفاوت دانشگاه‌های علوم پزشکی با سایر مراکز دانشگاهی در نوع خدمات درمانی است که به مردم ارائه می‌شود. به‌طور قطع می‌توان گفت که این ادغام در دو سال قبل خدمات درمانی مردم را تحت‌الشعاع خود قرار داد و در اندامی نیز می‌تواند تحت‌الشعاع قرار دهد؛ چرا که بر اساس اطلاعات موجود دانشگاه‌های ادغام‌شده به تازگی گروه‌های علمی و پزشکی خود را تشکیل داده بودند و امروز دوباره بعد از دو سال که سروسامانی به خود گرفته بودند، باید دوباره تفکیک شوند. از سوی دیگر آنچه که فارغ از همه مسائل و انتقادات مطرح شده نسبت به این اقدام باید در نظر گرفت، هزینه‌های مادی و معنوی است که از سوی تصمیم‌گیری خارج از محیط دانشگاه و ناگرس‌های سیاسی به آموزش و خدمات درمانی دانشگاه علوم پزشکی ایران تحمیل شد. در مقام مقایسه می‌توان گفت هزینه‌های معنوی به مراتب بیشتر از هزینه‌های مادی بود؛ چرا که اعضا هیات علمی و دانشجویان این دانشگاه یک‌شنبه با ادغام این دانشگاه مواجه و دو سال بعد باز هم به‌صورت یک‌شنبه با انحلال ادغام دانشگاه مواجه شدند. مسأله‌ای که باعث می‌شود اعضای هیات علمی و دانشجویان این دانشگاه آینده‌ای را برای حیات علمی خود متصور نباشند. از طرف دیگر آنچه که ذات این تصمیم‌گیری را چه در رابطه با ادغام و چه در رابطه با انحلال ادغام زیر سوال می‌برد، مسأله استقلال دانشگاه‌هاست. در همه جای دنیا دولت به خود اجازه نمی‌دهد که در تصمیم‌گیری‌های کلان دانشگاه‌ها دخالت کند و اگر زمانی بخواهد تصمیم‌گیری در رابطه با دانشگاه‌ها داشته باشد، سعی می‌کند در اولین قدم نظرات بدنه علمی دانشگاه را مدنظر قرار دهد. اما متأسفانه در رابطه با این مسأله ما شاهد جلب رضایت و دریافت نظرات از سوی اعضای هیات علمی نبودیم. همچنین نکته حایز اهمیت دیگر این است که در رابطه با این ادغام و انحلال ادغام هیچ‌کس پاسخگو نیست. مسئولان امروز باید پاسخ دهند که چرا این ادغام صورت گرفت. اگر نتایج مثبت داشت چرا ادامه پیدا نکرد و اگر نتایج منفی به بار آورد چرا از همان ابتدا انجام شد و هزینه‌هایی را تحمیل کرد. همه اینها نشان‌دهنده این است که دغدغه‌های علمی برای پیشبرد اهداف آموزش پزشکی و نیازهای مردم برای دریافت خدمات درمانی از سوی تصمیم‌گیران در این ادغام و انحلال ادغام نقشی نداشته است.



پخش‌کننده از موافقت اولیه وزارت ارشاد خبر داد

احتمال اکران «گذشته» فرهادی در خرداد

گروه هنر: «گذشته» اصغر فرهادی در صورت گرفتن پروانه نمایش در ایران همزمان با اکران جهانی خردادماه در ایران با زیرنویس فارسی بر پرده سینماها می‌رود. این خبری بود که «علی سرتیپی» مدیر شرکت فیلمیران پخش‌کننده رسمی فیلم گذشته در ایران به «شرق»...

صفحه ۱۱

سال دهم • شماره ۱۷۰۳ • ۱۶ صفحه • ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

سرگیجه آماری

محمدرضا تابش
عضو کمیسیون تلفیق بودجه



دستور جلسه روز گذشته کمیسیون تلفیق بودجه سال ۹۲، در نوبت صبح، بررسی کلیات بودجه بوده است. رییس کل بانک مرکزی، وزیر اقتصاد و معاون اقتصادی معاونت برنامه‌ریزی ریاست‌جمهوری، گزارش‌هایی ارائه کردند که بنا بر استنباط همکاران در کمیسیون تلفیق، فاقد مستندات و روح لازم برای تصمیم‌گیری بوده است. موافق و مخالف هم در این‌باره به بیان نظرات خود پرداخته‌اند و پس از سخنان معاون اقتصادی، آقای ممینی، این جمع‌بندی در کمیسیون حاصل نشده که محبت بررسی کلیات بسته شود. بر این اساس از دولت درخواست مستندات شده است. ابهامات در بخش‌های زیر، قابل روت بوده است. کسری بودجه سال ۹۲ در دو محبت است؛ نخست عدم تحقق درآمدها، پیش‌بینی می‌شود حدود ۴۰ هزار میلیارد عدم‌تحقق در آمد وجود داشته باشد که ۱۵ هزار میلیارد تومان آن از هفتمندی یارانه‌ها و نیم دیگر آن از سایر درآمدهاست. برخی موارد نیز در لایحه ارائه شده توسط دولت، مبهم و مسکوت است. ۴۰ هزار میلیارد تومان از محل فروش اموال و دارایی‌ها، شش هزار میلیارد اوراق قرضه اسلامی با سسکو و ۱۵ هزار میلیارد اوراق مشارکت سهم دولت تعیین شده است.

صفحه ۴

پایان عصر «ناچر» یسم

صادق زیباکلام . تحلیلگر سیاسی



بسیاری از صاحب‌نظران خانم مارگارت تاچر را بعد از وینستون چرچیل، مهم‌ترین و موثرترین نخست‌وزیر در قرن بیستم در انگلستان می‌دانند. علت این عقیده بازمی‌گردد به تغییرات عمیق و گسترده‌ای که در سه دوره نخست‌وزیری‌اش توانسته در بریتانیا به وجود آورد. اقدامات و سیاست‌هایی که بعد از گذشت بیش از دو دهه از نخست‌وزیری تاچر آثار آنها همچنان در جامعه انگلستان امروز به چشم می‌خورد. او برخلاف بسیاری از نخست‌وزیران و نخبگان سیاسی بریتانیا که غلب حقوق، اقتصاد، تاریخ یا علوم سیاسی خوانده بودند، در رشته شیمی فارغ‌التحصیل شده بود و برخلاف روند حاکمیت در بریتانیا که همواره در قالب مدیریت سیاسی دسته‌جمعی می‌بود، یکی از برجسته‌ترین و بارزترین ویژگی‌های خانم تاچر مدیریت به صورت فردی بود. به همین دلیل بود که لقب خانم تاچر «بانوی آهنین» شده بود. «بانوی آهنین» آن سنت دیربای مدیریت دسته‌جمعی را تا حدود زیادی کنار گذارد و به جای آن سنت مدیریت و ریاست فردی را حاکم کرد. خانم تاچر می‌گفت و با مابقی اعضای کابینه اطاعت می‌کردند. اما این همه تاچر نبود. یقیناً اگر مارگارت تاچر خلاصه می‌شد در سبک و سیاق ریاست فردی، نه نامی از او به جای مانده بود و نه در فرهنگ و اندیشه سیاسی، امروزه اصطلاحی به نام «تاچریسم» به وجود می‌آمد. اصلی‌ترین و بارزترین خصوصیات خانم تاچر یکبارگی امان او با چپ، با سوسیالیسم، با اتحادیه‌های کارگری و با آنچه اقتصاد سرمایه‌داری بعد از جنگ جهانی دوم از آن به‌نام «دولت رفاه» یاد می‌شود. خصوصی‌سازی ویژگی بارز دیگر خانم تاچر بود. او طی دوره نخست‌وزیری‌اش بسیاری از صنایع و زیرساخت‌های بزرگ و مادر را در بریتانیا خصوصی کرد. آب و فاضلاب، برق، گاز، راه‌آهن، اتوبوسرانی، هواپیمایی، مترو، دپوآهن و فولاد را که غول‌های اقتصاد بریتانیا بودند خصوصی کرد. مالکیت این غول‌ها را در قالب میلیون‌ها سهام درآورد و به مردم فروخت. در انگلستان به‌طور سنتی بزرگ‌ترین مالک خانه‌های مسکونی همواره دولت بوده است. بیش از نیمی از مستاجرین در انگلستان مستاجر دولت بودند. دولت به افراد و خانواده‌های کم‌درآمد آپارتمان یا خانه کوچک اجاره می‌داد. هرگاه که مستاجر بیکار می‌شد یا با کاهش درآمد مواجه می‌شد، دولت تا بهبود وضعیت اقتصادی‌اش از وی دیگر اجاره نمی‌گرفت، به علاوه آب و برق و گاز وی را هم می‌پرداخت. شرایط واگذاری خانه‌ها و آپارتمان‌های دولتی به مستاجران بسیار سهل و ساده بود، آن‌قدر ساده که شباهان دانشجویای ایرانی که می‌خواستند سر به تن انگلستان و دولتش نباشند، جملگی مستاجر دولت بودند با اجاره‌های بسیار پایین.

ادامه در صفحه ۳



دختر شهید «آوینی» در گفت‌وگو با «شرق»:

شخصیت پدرم را تکه تکه کرده‌اند

صفحه ۸

عکس: آیدین رهبر شرق

یادداشت

«دختر بقال»؛ بدون باخت



مجید تفرشی
پژوهشگر تاریخی

مرگ مارگارت تاچر، پایان کار یکی از تاثیرگذارترین سیاست‌گران تاریخ معاصر بریتانیا و جهان بود. مارگارت تاچر که با نام مارگارت هیلدا رابرتس در ۱۳ اکتبر ۱۹۲۵ در شهر گرانتام در استان لینکشایر به دنیا آمده بود، صبح دوشنبه هشتم آوریل در سن ۸۷ سالگی در لندن درگذشت. تاچر اولین و تا این زمان، تنها نخست‌وزیر زن در تاریخ بریتانیا بوده و به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، بیشترین تاثیر را در شکل‌گیری، پوست اندازی و بازسازی ساختار سیاست، اقتصاد و اجتماع در بریتانیا و حتی اروپای دوران بازسازی پس از جنگ جهانی دوم داشته است. به قدرت رسیدن یک زن در سپهر سیاسی بریتانیا، که تا آن زمان، عمدتاً در کنترل مردان میانسال سفید پوست بود، نقش و تاثیر شگرفی بر ارتقای سقف بلندپروازی‌های زنان فعال اجتماعی و رشد جنبش حقوق مدنی زنان در بریتانیا و غرب داشت. کمتر سیاستمداری در تاریخ بریتانیا مانند تاچر وجود دارد که به شکلی وسیع و عمیق نسبت به او مهر و کین و حتی عشق و نفرت وجود داشته باشد. در طول ۲۳ سال فعالیت او در سطح کلان سیاسی از ۱۹۵۹ تا ۱۹۹۲، نمایندگی پارلمان تا نخست‌وزیری و دو سال پس از آن، به‌خصوص در دوران یازده سال و نیم نخست‌وزیری‌اش، تحولات مهمی در آن کشور رخ داد که بخش زیادی از آن وابسته به سیاست‌های سختگیرانه تاچر بود. سیاست‌هایی که با همه تاجی، سرنوشت بریتانیا را به کلی دگرگون ساخت و این کشور را در میان کشورهای بزرگ نگاه داشت. تاچر با آنکه خود از خانواده‌ای نسبتاً فرودست و شهرستانی برخاسته بود، پس از تحصیل در رشته شیمی در دانشگاه آکسفورد و سپس ادامه تحصیلاتش در رشته حقوق و همچنین ازدواج با مارك تاچر بارگان ثروتمند دست راستی، عملاً راحل مشکلات کشورش

وجه دیگری از انتخابات

خود را به گونه‌ای تعریف کند که در عمل محقق شدنی نباشد. اگر انتخابات خودروپی است که راه نمی‌رود، سوار شدن در آن بی‌هوده است. ولی اگر این خودرو قادر به حرکت است، در این صورت باید مسافرانی متناسب با آن را سوار کرد. یک فرد ۲۰۰ کیلویی را نمی‌توان در صندلی فولکس واگن جا داد.

۲- اگر یک نیروی سیاسی خود را موثر و مهم می‌داند، چارای جز داشتن نامزد انحصاری ندارد. نامزدی که به نحو ملموس و روشنی مطالبات و ایده‌های آنان را در حد ممکن نمایندگی کند. در این صورت حمایت از نامزدهای غیرمرتبط با خودشان، چیزی جز ناتوانی این نیرو را در انتخاب نامزد انتخاباتی اثبات نمی‌کند (البته در مرحله دوم انتخابات، بحث فرق می‌کند). اگر این نیرو از ترس اینکه رأی نیابرد با آرای کمی کسب کند، از زیر بار حضور مستقیم شانه خالی کند، شانس خود را برای حضور موثر از دست داده است. همچنین این اشتباه است که کسی گمان کند با عدم حضور نامزدهای خود در دور اول می‌تواند به رأی آوری نامزدهای مطلوب‌تری از جناح حاکم کمک کند زیرا اگر نامزد نامطلوب از جناح مقابل بالای ۵۰ درصد رأی را داشته باشد، هر نیروی سیاسی دیگر فارغ از اینکه چه تعداد رأی آورد، تاثیری در نتیجه پیروزی او ندارد و اگر هیچ نیرویی بالای ۵۰ درصد آرا را نداشته باشد، در این صورت دو نفر به دور دوم خواهند رفت و در این مرحله هر تصمیمی را که به نفع باشد می‌توان اتخاذ کرد.

۳- مسأله مهم ضرورت پرهیز از حضور نامزدهای انفرادی است. اتفاقی که در سال ۱۳۸۴ رخ داد، ناشی از حضور نامزدهای اصلاح‌طلب نبود، بلکه ناشی از پراکندگی و تکرار آنان بود که در کنار سایر مسائیل موجب شکل‌گیری این نتیجه ناخوشایند برای کشور شد. البته شرط لازم برای عدم حضور نامزدهای منفرد، وجود جریان بحث و گفت‌وگوی آزاد و مدیریت باتیاب و قدرتمند است. در غیر این صورت منطقی نیست که برخی افراد راه خود را بروند و در عین حال انتظار داشته باشند که دیگران هم به آنان تاسی کنند.

۴- اگرچه نفس مشارکت برای هر گروه سیاسی مطلوب و نوعی پیروزی است، ولی فراموش نشود که انتخابات به معنای حضور در «بازی معین» با «نتیجه نامعین» است و از روی نتیجه، نمی‌توان درباره اصل و قاعده بازی پیشداوری کرد. اگر فکر می‌کنیم که نتیجه معین و از پیش تعیین شده است، بحث دیگری است

و از ابتدا می‌توان این بازی را نادیده گرفت. ولی اگر کسی به معین بودن نتیجه اعتقادی ندارد، به ناچار باید خود را با قواعد و اصول این بازی هماهنگ کند و نمی‌تواند حضور در آن را پیشاپیش منوط به مطلوب بودن نتیجه بازی کند.

یادداشت



عباس عبادی
تحلیلگر سیاسی

هرچه به فصل انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، نوشتن درباره آن نیز ضروری‌تر می‌نماید، ولی حیف که همه افسرد درباره ابعاد گوناگون انتخابات نظر می‌دهند و گفت‌وگو می‌کنند، جز درباره برنامه‌های نامزدها برای اداره کشور! طرفه آنکه در این میان برنامه‌های هم وجود ندارد. از این رو در این یادداشت به‌وجه دیگری از انتخابات می‌پردازم. برخی نیروهای اصلاح‌طلب شاید در شرایط کنونی حمایت از یک نامزد غیرمرتبط با جریان اصلاحات ولی کم‌ضررتر را گزینه مطلوبی برای شرکت در انتخابات می‌دانند. این نوشتار در پی آن است که نشان دهد چرا این ایده، نادرست و بی‌فایده است. اگر یک جریان سیاسی مهم (حداقل اینکه خودش به چنین اهمیتی قایل باشد) می‌پذیرد که پدیدهای به نام انتخابات وجود دارد و با وجود مجموعه نارسایی‌ها و موانع موجود، نتیجه آن را موثر در تحولات اجتماعی و سیاسی می‌داند، به ناچار باید با نامزد مناسبی که معرف خود است وارد میدان انتخابات شود. منظور از «نامزد مناسب» نامزدی است که هم امکان تعامل با قدرت و حضور و گرفتن تایید صلاحیت را داشته باشد و هم آنکه حداکثر مقبولیت را نزد کنشگران اصلاح‌طلب دارا باشد و هم آنکه توان رأی‌آوری نسبی نزد مردم را داشته باشد. روشن است که در حال حاضر اصلاح‌طلبان نمی‌توانند فردی را تعیین کنند که هر سه مولفه مذکور را در حد بالا دارا باشد. بنابراین باید کسی را برگزینند که برآیند آن فرد از حیث این سه مولفه بیش از سایر افراد باشد. هرچند اقدام موثر برای رسیدن به این هدف تا حد زیادی دیر شده است و گمان نمی‌کنم که چنین انتخابی در روزهای آینده هم محقق شود، ولی در هر حال توجه به چند نکته ضروری است. در این معنا از مشارکت نامزد حداکثری به نامزدی گفته نمی‌شود که فقط یک یا دو مورد از ویژگی‌های سه‌گانه فوق را در حداکثر مقدار داشته باشد، اتفاقاً چه بسا ممکن است چنین نامزدی با نداشتن ویژگی سوم، نامزد حداقلی باشد. نامزد حداکثری کسی است که برآیند این سه مولفه او در حداکثر باشد:

۱- اگر کسی نسبت به موثر بودن انتخابات شک و تردیدی جدی دارد، بهتر است وارد این بحث نشود. طبیعی است که چنین فردی باید در پی یافتن راه‌های دیگری برای سیاست‌ورزی باشد. ولی اگر کوششی برای حضور انتخاباتی می‌کند، این کوشش به منزله پذیرش اثرگذاری پدیده انتخابات در ایران با تمامی ویژگی‌هایش است. در این صورت نمی‌تواند حضور

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۹۸۶۸۲۲
۸۸۹۸۶۸۲۱
۸۸۹۸۶۸۲۰



اشتراک روزنامه شرق را فقط از شرق بخواهید



۰۲۲-۰۲۳۰۴۲۳۸۸۸۱